روایت ششم و هفتم

حدیث ششم؛

> **وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن الحسين بن نصر، عن أبيه، عن أبي خالد الواسطي، عن أبي جعفر عليه السلام (في حديث) قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، من ألحق في رمضان يوما من غيره فليس بمؤمن بالله والا بي[1]**

در نرم‌افزار می‌گویند ضعیف است، ظاهراً به‌خاطر حسین بن نصر است. به اصطلاح ربایی که وقتی آن سه تا نشد، به آن ضعیف می‌گویند. مرحوم مجلسی این روایت را فرموده‌اند «مجهول». این اصطلاح از تقسیم ربایی فاصله می‌گیرد. یعنی نمی‌گویند ضعیف است.

«من ألحق في رمضان يوما من غيره فليس بمؤمن بالله والا بي»؛ اینجا از مواردی است که در روایت کلمه «شهر» نیامده است. حالا ای در نقل راوی افتاده است ای دلالت دارد بر این‌که کراهت ای استحباب در اینجا نیامده است. البته ظاهرش کراهت است که رمضان گفته شود. اما در اینجا نیامده است. در روایت دیگر داشت «ألحق متعمدا». در وسائل در دو جای دیگر آمده بود. قبلا صحبتش کردیم. یعنی غیر ماه مبارک را با نیتی که می‌کند الحاق بکند.

این سه روایت پشت سر هم از تهذیب است. روایت هفتم هم همچنین است:

> **وباسناده عن علي بن مهزيار، عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الرضا عليه السلام في اليوم الذي يشك فيه (إلى أن قال:) لا يعجبني أن يتقدم أحد بصيام يوم[2]**

یادم هست که مرحوم مجلسی این روایت را هم فرمودند «مجهول» است. این روایت در اینجا تقطیع شده است. در وسائل صفحه ۱۹۱ کل حدیث آمده است. باب پنجم ابواب احکام شهر رمضان. در روایت هفتم؛ این روایت مربوط به کمال و نقصان در عدد می‌شود.

> **وعنه، عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد بن الفضيل قال سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن اليوم الذي يشك فيه والا يدري أهو من شهر رمضان أو من شعبان، فقال: شهر رمضان شهر من الشهور يصيبه ما يصيب الشهور من التمام والنقصان، فصوموا للرؤية،**

> **وأفطروا للرؤية، ولا يعجبني أن يتقدمه أحد بصيام يوم الحديث[3]**

«فيه ولا يدري أهو من شهر رمضان أو من شعبان،»؛ این بخش اول حدیث تصریح در فرمایش شهید ثانی و صاحب حدائق است. یعنی وقتی ما یوم الشک میگوییم، منظور ما قطعاً شک بالفعل است. لذا تأکید میکنند «لایدری». این دقیقاً دلالت دارد بر اینکه شک بالفعل است. ولی شک بالفعل است به‌خاطر صرف شائبت یا به‌خاطر اینکه کسی شهادتی داده که حجت نیست. این اندازه دلالت ندارد. ولی اینکه عبارت ظهور در فعلیت دارد، خوب است.

«فقال: شهر رمضان»؛ ببینید فضای سؤال او، فضایی بود که احساس میشد میخواهد سراغ روایت عدد برود که شهر مبارک، تام باشد. لذا حضرت فرمودند: **«شهر من الشهور يصيبه ما يصيبه الشهور من التمام والنقصان، فصوموا للرؤية، وأفطروا للرؤية، ولا يعجبني أن يتقدمه أحد بصيام يوم؛ الحديث»؛** این الحدیث، برای وسائل نیست. به نظرم برای خود شیخ در تهذیب است. یعنی حدیث مفصلتر بوده، مرحوم شیخ همه را در اینجا نیاوردهاند. صاحب وسائل در این بابی که ما میخوانیم همان بخش تهذیب را هم نیاوردهاند.

آن چه که مقصود ایشان است، این است: **«ولا يعجبني أن يتقدمه أحد بصيام يوم»؛** در تهذیب دارد، یتقدمه. در موضعی که از وسائل خواندم باز «ان یتقدمه» است. خب در اینجا حضرت چه کار کردند؟ اعجاب به‌معنای خوش آمدن است. «لایعجبنی» یعنی خوش ندارم. من را معجب نمیشود. یعنی تحسین نمیکنم. کسی که این کاری را بکند، من او را تحسین نمیکنم. خب این از روایاتی است که بر نهی تنزیهی دلالت دارد. ای عدم استحباب. ظاهر نفی اعجاب، عدم الاستحباب است. لازمه عدم الاستحباب صریحاً کراهت نیست. لذا این روایت میتواند ظهور در عدم استحباب داشته باشد. عدم استحباب در این روایت را با سائر روایتی که قبلاً بحث کردیم، باید جمع کنیم. عدم استحباب در اینجا جهتی است، استحباب سائر روایات، ثبوتی است. جهتی بودنش هم از قبلش معلوم میشود. «یصیبه ما یصیبه الشهور من التمام». یعنی وقتی ما میگوییم روزه بگیرید، مظنه این است که به‌خاطر روایات عدد باشد و اینکه «شهر رمضان لاینقص ابدا». حضرت برای دفع دخل او در «یصیبه ما یصیبه الشهور من التمام»، فرمودند «لایعجبنی». پس نفی استحباب، جهتی میشود و جهت آن هم نفی آن روایات است. چون تقطیع شده دلالت ندارد. این روایت از روایاتی است که بخشی که تقطیع شده دلالت دارد، مقصود از «لایعجبنی» نفی استحباب جهتی است. به این خاطر که افتاده، دیگر در ذهن ناظر نمیآید.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۷

[2] همان

[3] همان ۱۹۱

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 13:23:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 13:25:32 توسط ... .